

نامه به سردبیر

معادل‌گزینی برای کلمات کلیدی خوشه‌واژه «چارچوب، مدل و ...»

مرضیه شاوردی*

دانشجوی دکترای سیاست‌گذاری علم و فناوری، دانشگاه علم و صنعت ایران

نظر گرفتن ابعاد و ویژگی‌های مختلف آنها تعریف نموده است. دسته‌بندی و تعاریف ارائه‌شده در این مقاله (جدول ۱) برای بافتار «مدیریت نظام‌های تولیدی» بیان و دو طیف «مفهومی» تا «کاربردی» و «پویایی» تا «ایستایی» را در نظر گرفته است (شکل ۱).

جدول ۱) تعریف واژه‌ها از دید [۱]

واژه	تعریف
Paradigm	انگاران، مفروضات تثبیت‌شده و اصولی قراردادی را توصیف می‌کند که حامی دیدگاهی خاص در زمینه یک مسئله مدیریتی خاص است.
System	نظام، مجموعه‌ای از عناصر وابسته به هم و دارای حد و مرز مشخص با ویژگی‌های خودجوش است که در بافتار پارادایم مطرح می‌شود.
Framework	چارچوب، پشتیبان درک و انتقال ساختار و رابطه در داخل یک نظام برای مقصدی مشخص است.
Map	نگاشت، درک رابطه ایستا بین عناصر نظام را پشتیبانی می‌کند.
Model	مدل، پشتیبان درک تعامل پویای بین عناصر نظام است.

در کارگروه واژه‌گزینی با مبنا قرار دادن ویژگی‌ها، ابعاد و تعاریف ارائه‌شده در این مقاله و واژه‌نامه‌های تخصصی آکسفورد [۲] و مریام-ویبستر [۳] و نیز با بررسی تعاریف بیان‌شده در منابع مختلف و همچنین در نظر گرفتن بافتار «مدیریت فناوری» با توجه به مفاهیم رایج در کشور و با بیش از ۷۰ نفر-ساعت بحث و بررسی کارشناسی بین اعضاء کارگروه، دسته‌بندی و تعاریف خوشه‌واژه چارچوب با ایجاد تغییراتی در دسته‌بندی [۱] ارائه شده است. تغییرات

انجمن مدیریت فناوری ایران با هدف تعیین معادل فارسی و همچنین ارائه تعریفی دقیق از واژه‌های پرکاربرد حوزه مدیریت فناوری و نوآوری، کارگروهی را زیر نظر فرهنگستان زبان و ادب فارسی برای واژه‌گزینی تشکیل داده است. در نتیجه دور اول فعالیت این کارگروه در سال ۱۳۹۱، تعریف و معادل ۷۲ واژه مرتبط در فرهنگستان زبان و ادب فارسی تصویب و منتشر شده است.

دور دوم فعالیت این کارگروه از مهر ۱۳۹۶ و با حضور ۱۴ نفر از اساتید، متخصصان و صاحب‌نظران آغاز شده است. این افراد که پیرو فراخوان انجمن، داوطلب شده بودند بیشترین تألیفات مرتبط با این حوزه را دارند. این کارگروه بر روی واژه‌های تخصصی و نیز برخی واژه‌های عمومی پرکاربردی تمرکز دارد که محل اختلاف‌نظر یا سردرگمی فعالان این حوزه در ترجمه متون و حتی در تعریف پایان‌نامه‌های دانشجویی است.

در این راستا، واژگان پرکاربردی مانند پارادایم، چارچوب، مدل، الگو و ... تحت عنوان یک خوشه‌واژه در دستور کار قرار گرفت. برای تعیین معادل مناسب و ارائه تعریفی جامع از هر کدام این واژه‌ها، منابع مختلفی بررسی و این سردرگمی در متون انگلیسی نیز مشاهده شد. یکی از جامع‌ترین منابعی که در راستای رفع این سردرگمی اقدام به ارائه تعاریف و ویژگی‌های این خوشه‌واژه کرده مقاله [۱] تدوین‌شده در مرکز مدیریت فناوری دانشگاه کمبریج است که این واژه‌ها را با در

صورت‌گرفته به شرح زیر است:

ادامه ارائه شده است.
در سطح کلان، دو واژه «انگارگان» و «نظام» مطرح است (جدول ۲) و هفت مفهوم نیز در داخل «نظام» مطرح می‌شوند (جدول ۳).

جدول ۲) تعریف «انگارگان» و «نظام»

واژه انگلیسی	معادل فارسی	تعریف
Paradigm	انگارگان	مجموعه‌ای منسجم از مفروضات حاکم در دوره زمانی خاص
System	نظام	مجموعه‌ای از عناصر مرتبط یا وابسته که در کنار هم یک کلیت واحد را تشکیل و کارکردی خاص را محقق می‌کند.

۱) تغییر طیف «پویا - ایستا» به «تعامل، علیت - عناصر، سازماندهی»: نویسندگان [۱] مدل را پویا و نگاشت را ایستا می‌دانند اما با توجه به بافتار مدیریت فناوری، «مدل» می‌تواند ایستا یا پویا باشد که تعامل و علیت بین عناصر نظام را نشان می‌دهد. بنابراین به نظر می‌رسد دسته‌بندی پویا - ایستا نمی‌تواند معیار مناسبی برای دسته‌بندی واژه‌ها باشد و از این‌رو، دو سر طیف به «تعامل، علیت - عناصر، سازماندهی» تغییر یافت. «مدل» در سمت «تعامل، علیت» جای می‌گیرد و «نگاشت» که عناصر نظام و موقعیت آنها را نشان می‌دهد در سمت «عناصر، سازماندهی» قرار می‌گیرد.

جدول ۳) تعریف خوشه‌واژه «چارچوب»

واژه انگلیسی	معادل فارسی	تعریف
Framework	چارچوب	ساختاری از روابط توصیفی یا علی بین عناصر یک مفهوم/موضوع برای تسهیل سازماندهی آن
Model	مدل	ساختاری که تعامل و علیت بین عناصر نظام را نشان داده و قابلیت کاربرد برای تعمیم و پیش‌بینی دارد.
Pattern	الگو	ساختاری از تعامل و علیت بین عناصر که از طریق درک روابط بین داده‌های موجود استخراج و قابلیت تقلید دارد.
Map	نگاشت	تصویری ایستا که موقعیت و سازماندهی عناصر یک نظام را نشان می‌دهد.
Process	فرآیند	مجموعه‌ای از فعالیت‌های مرتبط و متوالی برای تبدیل ورودی‌ها به خروجی‌ها در راستای هدف مدنظر
Procedure	رویه	گام‌های لازم برای عملیاتی‌سازی فرآیند
Technique	فن	روشی است ساختاریافته برای تکمیل بخشی از یک رویه

۲) تغییر جزئی در دو سر طیف دوم از «مفهومی - کاربردی» به «درک و توصیف - بکارگیری و تجویز»: یک سر طیف واژه‌هایی را نشان می‌دهد که درک و توصیف مسائل را امکان‌پذیر می‌سازد و این توصیف می‌تواند مفهومی یا ریاضی باشد. انتهای دیگر طیف واژه‌هایی را دربرمی‌گیرد که امکان پیش‌بینی، بکارگیری و تجویز را فراهم می‌سازد.

۳) تغییر جایابی «چارچوب» در دسته‌بندی: نویسندگان [۱] چارچوب را مفهومی انتزاعی می‌دانند که پشتیبان درک و انتقال ساختار و رابطه است. جمع‌بندی حاصل از بررسی منابع مختلف و بحث‌های کارشناسی در کارگروه حاکی از آن است که چارچوب، قابلیت بکارگیری و تجویز دارد و سازماندهی عناصر را تسهیل می‌کند. بنابراین «چارچوب» در ربع «عناصر، سازماندهی» و «بکارگیری و تجویز» جای می‌گیرد (شکل ۲).

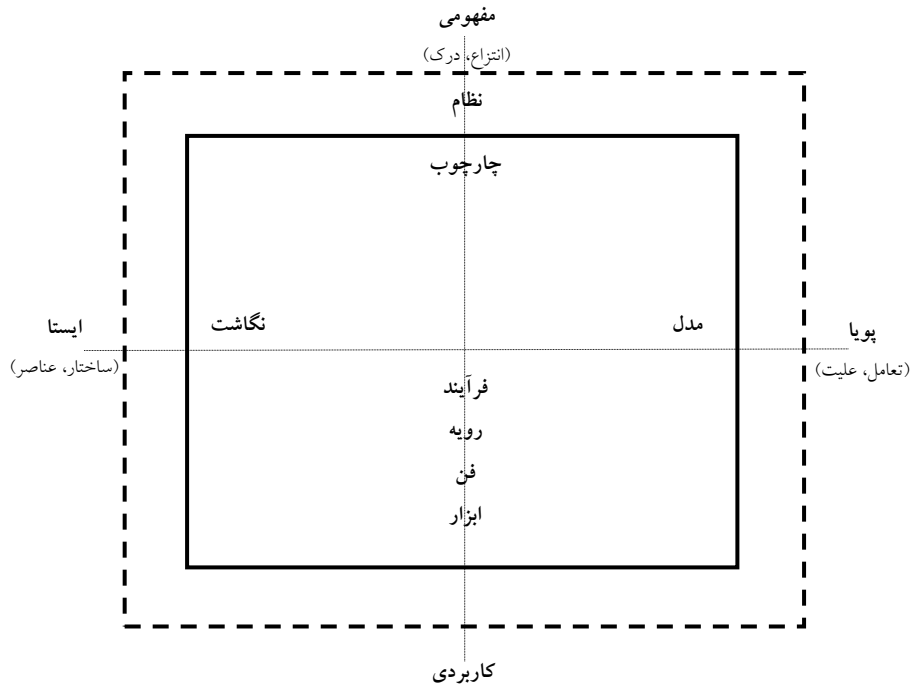
۴) افزودن «الگو» به دسته‌بندی [۱]: در دسته‌بندی [۱] «الگو» جایابی نشده بود. در کارگروه با بررسی دیگر منابع و تعاریف، این جمع‌بندی حاصل شد که «الگو» و «مدل» از نظر نشان دادن تعامل و علیت بین عناصر شبیه به یکدیگر هستند اما از نظر مفهومی و کاربردی بودن در برابر هم قرار دارند. الگو از داده‌های موجود استخراج و امکان «درک و توصیف» را فراهم می‌کند اما مدل ساختاری است که «قابلیت تعمیم و پیش‌بینی» دارد و با توجه به آن می‌توان راهکارهایی را «تجویز» کرد.

دسته‌بندی واژگان را می‌توان مانند شکل ۲ نمایش داد. دو بُعد این شکل شامل طیف «تعامل، علیت - عناصر، سازماندهی» و طیف «درک و توصیف - بکارگیری و تجویز» است. مدل و الگو، تعامل و علیت را نشان می‌دهند؛ مدل قابلیت تعمیم و

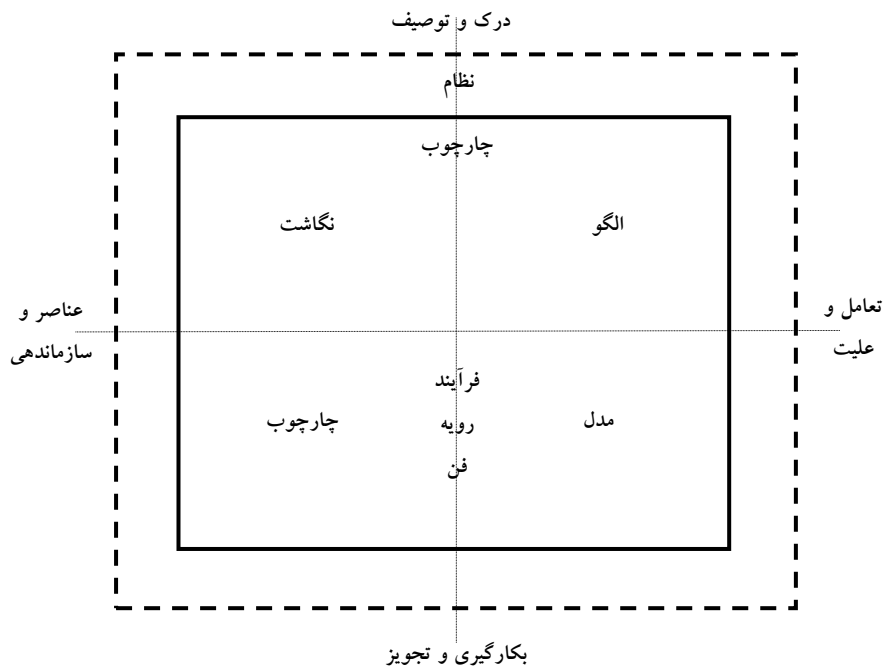
با توجه به این تغییرات و اصلاحات ایجادشده در دسته‌بندی [۱]، نهایتاً تعریفی جامع از ۹ واژه مرتبط با خوشه مذکور در

این تعاریف برای تصویب به فرهنگستان زبان و ادب فارسی ارائه خواهد شد. امیدواریم تصویب این واژه‌ها، ادراکی یکسان و زبانی مشترک در میان فعالان حوزه مدیریت فناوری و نوآوری ایجاد و پایان‌بخش سردرگمی در تعاریف و مفاهیم واژه‌های مذکور باشد.

پیش‌بینی دارد؛ الگو امکان توصیف را فراهم کرده و قابلیت تقلید دارد. نگاشت و چارچوب، سازماندهی و عناصر نظام را نمایش می‌دهد؛ چارچوب، سازماندهی را تسهیل و امکان بکارگیری و تجویز دارد؛ نگاشت تصویری ایستا از موقعیت و سازماندهی ارائه و امکان توصیف و درک را فراهم می‌کند.



شکل ۱) دسته‌بندی واژه‌ها و رویکردهای مدیریتی [۱]



شکل ۲) دسته‌بندی خوشه‌واژه چارچوب (کارگروه واژه‌گزینی انجمن مدیریت فناوری ایران، ۱۳۹۶)

management issues: Part 1-Role and definition.

- [2] www.oxforddictionaries.com
[3] www.merriam-webster.com

References

- [1] Shehabuddeen, N., Probert, D., Phaal, R., & Platts, K. (1999). **Representing and approaching complex**

منابع